



# فصلی در گل سرخ

۷

به سردبیری عاطفه گرگین

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# فصلی در گل سرخ



به سردبیری عاطفه کرگین

اسفند ۱۳۶۱



فهرست صفحات

- ۱ - سخنی کوتاه
- ۲ - حزب دمکرات کردستان ایران ۱ - ۲۸
- ۳ - چریکهای فدائی خلق ایران ۲۹ - ۷۶
- ۴ - سازمان مجاهدین خلق ایران ۷۷ - ۹۹
- ۵ - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران ( کومله ) ۱۰۰ - ۱۲۲
- ۶ - چریکهای فدائی خلق ایران ( ارتش رها ئی بخش خلقهای ایران ) ۱۲۳ - ۱۴۹



## سخنی کوتاه

چهار سال از مبارزه مردم ستمکشیده علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران میگذرد. چهار سال است که ملتی درگیر قانونیت و اسدوزنگ زده‌ای است که از آن بوی حیات و شکوفایی به مشام می‌رسد، در این چهار سال، سنگسار انسانها، به آتش کشیدن تفکر، تخریب و بستن دانشگاهها، بمباران مردم بی دفاع کردستان، قتل عام و ویران کردن دهکده‌ها در کردستان، حمله به خلق عرب، کشتار خلق ترکمن صحرا، بیکاری، سرگردانی، آوارگی، فحشا، فقر، تفتیش عقاید، حجاب اجباری، تفرقه، اعدامهای دسته جمعی، دستگیریها، فرستادن نونهالان به خط اول جبهه، دفع مین‌ها توسط کودکان، حکومت نظامی بر مغز زندگی روزانه، و بطور کلی سیاست سرکوب خونین نیروهای مترقی و انقلابی، از هم‌پاشیدگی و قطع شریانهای تولیدی، تخریب در دستگا‌های اقتصادی کشور و افزایش سرسام آوارگی و ..... همه روزه شدیدتر میشود و ما نشسته ایم و سلاخی خلقمان را نظاره میکنیم.

آری ملتی همه روزه سنگسار فکری و گلوله باران سیاسی، اقتصادی و جانی میشود و ما بجای اینکه مخالفت‌ها را سازمان دهیم و مردم را مسلح کنیم به درازگویی‌های روشنفکرانه خود

الف  
پناه برده ایم .

در این چهار سال ، بحران ، پراکندگی و تشتت تخطئه های  
پنهانی ، اخراج ها و تصویب های مداوم سازمانی در نیروهای  
چپ مارکسیسم ابعاد وسیعی به خود گرفته و در بعضی از این  
سازمانها و گروهها بجای شعار " اتحاد ، اتحاد ضرورت انقلاب "  
شعار تنفیه ، تخطئه ، توهین ، افتراء ، اخراج ، ضرورت  
انقلاب ، رخ مینماید ، و در خور اندیشه است که هر کدام از این  
سازمانها و گروهها به تنهایی فکر میکنند که یگانه بدیل مبارزه  
ضد امپریالیستی هستند .

آنها به شیوه " اندیشه خویش انواع و اقسام برنامه های  
حداقل و حداکثر برای جامعه ایران طرح ریزی میکنند و لسی  
تا کنون هیچیک از این برنامه ها مورد قبول توده های زحمتکش  
و کارگران انقلابی میهنمان نبوده است ، عدم تحلیل علمی از  
موجودیت انقلاب ایران و آرایش واقعی طبقاتی ، سردرگمی  
کامل نظری و عملی و عدم پویایی در پی نمودن راه انقلاب نشان  
دهنده ی آن است که نیروهای مارکسیسم انقلابی عملاً به  
پاسیفیسم و سردرگمی کشیده شده اند .

این نیروها با عبارت پردازی انقلابی نه توانسته و نه  
میتوانند تکالیفی را که تاریخ و موقعیت عینی توده های وسیع  
بعده آنان گذاشته به انجام رسانند .

" آنچه که برای نیروهای کمونیست در شرایط کنونی  
جامعه ما اهمیت دارد ، اعلام ویژه گیهای نظام اقتصادی -  
اجتماعی حاکم بر کشور ما یعنی سرمایه داری وابسته به  
امپریالیسم است تا بر اساس آن بتوان راه رهایی توده های  
تحت ستم میهنمان را از قید سلطه امپریالیسم اعلام کرد . "

فصلی در گلسرخ معتقد است که این سردرگمی و عدم  
توانایی نیروهای انقلابی صرفاً بخاطر عدم شناخت از شرایط



عینی جامعه ایران است ، چرا که ما هنوز نتوانسته ایم به مبارزه سیاسی طبقاتی بهای لازم را بدهیم . خودبینی و "سازمان بینی" در شرایطی به گنج سری ما افزوده که عمر رژیم فاسد ایران بسر آمده .

نیروهای چپ انقلابی باید بخود آیند و بیاندیشند که تا چه حد نتوانسته اند توده های زحمتکش به خصوص طبقه کارگر را حول محور برنامه عمل خویش سازمان دهند و زحمتکشان و کارگران میهنمان را به میدان عملی مبارزات بکشانند .

انقلاب در ایران همچنان شعله میکشد و ما هنوز نتوانسته ایم وقایع را بدرستی پیش نگری کنیم ، تا زمانیکه ما تنها به منافع تنگ گروهی خویش میاندیشیم ، همواره در پس جنبش انقلابی میهنمان قرار خواهیم داشت ، چرا که توده های جان بر لب رسیده منافع هیچ سازمان و گروهی را مدنظر ندارند ، آنها تنها به رهائی خویش از یوغ رژیم فاسد و تسلط امپریالیسم میاندیشند ، و این رهائی امکان ندارد مگر با یک وحدت سراسری بین نیروهای انقلابی برای مبارزه در سطح دمکراتیک و استقرار نهادهای ضروری دمکراتیک .

انتشار مجدد فطلی در گل سرخ ادای سهمی به ایمن وظیفه انقلابی است ، تاریخ انقلابیونی را که میتواننند امروز به جنبش یاری رسانند و کار را به فردا میاندازند ، دقیقاً بخاطر این تاخیر امروز به فردا نخواهد بخشید ، ملت ما قتل عام سیاسی ، اقتصادی ، جانی ، فرهنگی و ..... میشوند و ما بجای سازمان دادن خود برای انقلاب هنوز مشغول تحلیلهای روشنفکرانه و دور از واقعیت خویش هستیم ، هم اکنون مسئولیتی تاریخی و بس عظیم بعهدۀ تمامی نیروهای انقلابی محول شده است که در کمتر نقطه ای از جهان نظیر آن یافت میشود ، و این ما موریتی است جهت نابودی نظم کهنه و برقراری نظمی

ج نوین ، نابودی مناسبات سرمایه داری و استقرار جامعه های  
عاری ازستم طبقاتی پس دریک کلام برای رسیدن به چنیـــــــن  
جامعه ای و برای سرنگونی حاکمیت امپریالیستی اتحاد و  
همبستگی نیروهای انقلابی یک ضرورت تاریخی است و ایــــن  
ضرورت هم اکنون باید در دستور روز قرار بگیرد. \*

o o o o o

فصلی درگلسرخ با ارج به مبارزات توده های انقلابی ایران  
و بیاد شهیدان بخاک خفته خلق هایمان پس از دو سال مجددا  
در تبعید بکار خود ادامه میدهد ، به ما یاری رسانید تا بتوانیم  
این مهم را با تمام رسانیم ، فصلی درگلسرخ متعلق به جنبش  
نوین انقلابی خلقهای ایران است ، به همین دلیل نمــــی  
تواند وابسته به نظرات این یا آن گروه و سازمان باشد ، پس  
در جهت تحقق خواستهای انقلابی و برحق توده ها گام بر میدارد

---

\* فصلی درگلسرخ یادآوری میکند که بعد از قیام بدلیل نفوذ  
اپورتونیسیم در جنبش چپ ، سازمانهای مارکسیستی از هم  
مقلشی و نظریات اصولی گروهها و نهادهای انقلابی  
نقوانست جایگاه خویش را میان توده ها کسب کنند ، چرا که  
بودند نیروهای مارکسیستی که از اول قیام با تحلیل های  
علمی و روشنگرانه خود مرز خلق و ضد خلق را مشخص نمودند و  
تمام این وقایع را بدرستی پیش نگری کردند و در حال حاضر نیز  
دوش بدوش خلق دلاور کرد به مبارزه مسلحانه می پردازند ، و  
امید است که در آینده این نیروها بتوانند ، با تحلیل  
مشخص از شرایط مشخص به مبارزه سراسری خویش شکل و  
جهت لازم را بدهند تا مارکسیسم لنینیسم واقعی در ایران  
یکبار دیگر پرچم ظفر نمون انقلاب پرولتری را بدوش پرتوان  
خویش حمل کند .

د  
و نخستین کوشش آن طرح یک سری سئوالات در ارتباط با مسائل  
میرم جنبش در ایران بوده است ، این سئوالات در داخل کشور  
( در کردستان آزاد ایران ) طرح ریزی و به چریکهای فدائیی  
خلق ایران ، سازمان مجاهدین خلق ایران ، چریکهای فدائیی  
خلق ایران ( ارتش رها ئی بخش خلقهای ایران ) ، سازمان  
انقلابی زحمتکشان کردستان ایران ( کومه ) ، حسرت  
دمکرات کردستان ایران و سازمان چریکهای فدائیی خلق  
ایران داده شد ، که تا کنون جواب سئوالات توسط سازمان  
چریکهای فدائیی خلق ایران بدست مانرسیده است .

## زنده باد انقلاب

فروردین ۶۲  
عاطفه کرگین

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# حزب دمکرات کردستان ایران

س (۱) - زمینه‌های مادی - تاریخی بوجود آمدن رژیم  
ارنجایی آخوندی در ایران را چگونه ارزیابی می  
کنید؟

پیش از پاسخ‌گفتن به سئوالات شما یادآوری دو مطلب  
را ضروری میدانم. نخست آنکه برخی از پرسشها برای توده‌های  
مردم ایران واجد اهمیت درجه اول نیست، ساده‌تر بگویم این  
سئوالاتی نیست که در ایران امروز، مردم بمعنای عام آن  
روزانه از خود میکنند تا ریه بعضی از سئوالات دقیق مطرح نشده و  
حتی گاهی مضمون آنها واقعیت را تحریف نموده است که در جای  
خود به آنها اشاره خواهم کرد.

دوم آنکه سئوالات شما هنگامی بدست من رسید که پیورش  
گسترده و سبعمانه رژیم خمینی علیه جنبش ملی دمکراتیک مردم  
کردستان آغاز شده بود. مشغله زیاد و تغییر مداوم محل کار مانع  
از این شد که بموقع پاسخ سئوالات شما را بفرستم، بدین وسیله  
صمیمانه پیورش میخوام و امیدوارم عذر من پذیرفته شود.

ج (۱) - روی کار آمدن رژیم خمینی در ایران پیش از آنکه  
زمینه مادی و تاریخی داشته باشد مدیون شرایطی بود  
که موجبات سرنگونی رژیم شاهنشاهی را فراهم آورد.

البته ریشه‌های تاریخی مذهب شیعه، سنن و نفوذ آن در بخش بزرگی از جامعه کشور ما، هم‌درروی کارآمدن رژیم خمینی و هم در روند جامعه پس از پیروزی انقلاب مؤثر بود، لیکن به هیچ وجه ضرورت تاریخی ایجاد نمی‌کرد که رژیم ولایت فقیه‌ی خمینی جانشین رژیم شاهنشاهی گردد.

زمینه مادی یا شرایط عینی سرنگونی رژیم شاهنشاهی آماده شده بود، این شرایط را قدرت حاکم‌طی بیست و پنج سال دیکتاتوری بعد از کودتای ۲۸ مرداد مهیا ساخته بود.

تضادهای رژیم قبل از انقلاب به اوج خود رسیده بود اما بدیل جمهوری اسلامی خمینی اجتناب ناپذیر نبود، آنچه امکان داد بدیل خمینی پیروز شود، عدم تشکل نیروهای دمکراتیک اپوزسیون و عدم هماهنگی در میان آنها بود. خمینی و دارودسته اش از خلاءای که بوجود آمده حداکثر استفاده را کردند. در حالی که قبل از انقلاب سازمانهای دمکراتیک امکان فعالیت عینی نداشتند، و محلی برای تجمع نبود اکثر کارها و فعالینشان در زندانها و یا در تبعیدگاهها بسر می‌بردند. و نیروهای پیشگان پراکنده بودند، امکانات مالی نداشتند، خمینی و دارودسته اش علناً فعالیت می‌کردند، مساجد و حسینیه‌ها را تبدیل به ستاد انقلابی خود نموده و چندین ده هزار نفر از آخوندها بعنوان کارهای ورزیده شب و روز در فعالیت بودند.

نیروهایشان بعزت وجود سلسله مراتب در مذهب شیعه بطور طبیعی متشکل بود و امکانات مالی سرشاری در اختیار داشتند. سازمانهای چپ بعزت بی تجربگی که موجب دنباله رویشان از خمینی شد و بعزت عدم درک واقعیت جامعه ایران نمیتوانستند نقش رهبری توده‌ها را بعهده بگیرند.

از سوی دیگر هیچکدام از شخصیت‌های سیاسی به اندازه خمینی از خود پیگیری نشان ندادند و برخی که انتظار می‌رفت

رهبری توده‌های انقلابی را بعهده خواهند گرفت مستقیماً به  
آستان بوسی خمینی رفتند و در برابر او سر تسلیم فرود آوردند،  
در نتیجه با اینکه نه تنها هیچ ضرورت مادی ایجاد نمی‌کرد، و  
حتی روند تاریخ مخالف سرکار آوردن رژیم ارتجاعی چون  
جمهوری اسلامی بود، خمینی و دارودسته‌اش هژمونی را بدست  
آوردند و توانستند انقلاب خلقهای ایران را بنام خود مصادره  
کنند.

س (۲) - تقریباً ۴ سال است که از عمر رژیم جمهوری اسلامی  
میگذرد و نظریات مختلفی در این چهار سال از طرف  
گروهها و سازمانها درباره ماهیت و عملکرد آن بیان  
شده ولی اکنون اینطور بنظر میرسد که اکثر این گروهها  
و سازمانهای سیاسی دیگر نظر سابق خود را ندارند  
میخواستم بدانم نظر شما درباره ماهیت رژیم کنونی  
چیست؟

ج (۲) - رژیم خمینی رژیم است قرون وسطایی و ارتجاعی.  
رژیمی است ضد خلقی و ضد انسانی. بسیاری از کسانی  
که سابقاً به خیال خود تحلیل‌های علمی و طبقاتی از  
رژیم خمینی ارائه میدادند اکنون دریافته‌اند که  
بیانگر چهره رژیم خمینی بیش از همه ایدئولوژی  
ارتجاعی و ولایت فقیهی آنست یعنی آنچه حـزب  
دمکرات سه سال پیش به آن اشاره نمود، عملکردهای  
رژیم خمینی در چهار سال گذشته بخوبی نشان داد که  
این رژیم هیچوقت نه طرفدار مستضعفان بوده و نه ضد  
امپریالیست.

لیکن خمینی توانسته بود چهره واقعی خود را با کارانه مخفی  
نگاه‌دارد و متأسفانه بسیاری از کسانی که هم‌اکنون در صف  
مخالف رژیم خمینی قرار گرفته‌اند، آگاهانه یا ناآگاهانه

هر کدام در مقطع زمانی یعنی به پوشیده ماندن چهره گریه خمینی کمک کردند. ماسک ریاکارانه خمینی قبل از همه در کردستان دریده شد، هم اینجا بود که برای نخستین بار چهره گریه و آشکار گردید. و من با کمال فروتنی عرض میکنم که حزب دمکرات در افشای عملکرد خمینی در کردستان نقش اساسی داشت. در چهار چوب رژیم خمینی هیچکدام از خواستهای اساسی خلقهای ایران:

استقلال و عدم وابستگی، دموکراسی، زندگی بهتر برای زحمتکشان و حق خودمختاری برای خلقهای ستمدیده ایران قابل تحقق نیست، بهمین جهت برای نجات کشور تنها یک راه وجود دارد و آن سرنگون ساختن رژیم خمینی است.

س (۲) - اگر شما این رژیم را وابسته تحلیل میکنید و میگویند در جهت منافع امپریالیسم قدم بر میدارند پس چرا دره اموال سرمایه داران را چگونه تحلیل میکنید؟

ج (۲) - جواب در متن پاسخ به سؤال ۲ و ۴ داده شد. س (۴) - در تحلیل گروهها و سازمانهای مختلف سیاسی دیده میشود که خمینی در ایجاد این رژیم نقشی ایفا کرده است بنظر شما امپریالیسم از خمینی چه استفاده‌هایی برای برپائی آن رژیم کرده است؟

ج (۴) - البته من خمینی را عامل امپریالیسم نمیدانم ولیکن اینطور نیست که کسی حتما باید اعلام امپریالیسم با شدت با امپریالیسم خدمت بکند.

امپریالیسم بدست خمینی را دیگالتترین و بیگیرترین نیروهای ضد امپریالیستی مانند حزب دمکرات، سازمان محاهدین و دیگران را سرکوب میکند. امپریالیسم بوسیله خمینی اقتصاد ایران را چنان بوبرانی کشید که بیش از پیش آنرا وابسته کرد، امپریالیسم بوسیله خمینی سازمان اوپک را داردمتلاشی



میکنند، سازمانیکه بیست و سه سال است در برابر شرکت‌های انحصاری امپریالیستی مقاومت میکند. امپریالیسم بوسیله خمینی نفت ارزان ببازاریهای وارد میسازد و دیگر اعضای اوپک را مجبور میکند که نفت خود را ارزان و ارزاقتر به شرکت‌های انحصاری چندملیتی بفروشند.

امپریالیسم با استفاده از خمینی به جنگ ایران علیه عراق دامن میزند چرا که این جنگ بازار فروش اسلحه را گرم نگاه میدارد و هر دو کشور را بیش از پیش بسوی وابستگی سوق میدهد. امپریالیسم بوسیله خمینی جنگ ایران و عراق را برافروخت برای اینکه بتواند نقشه‌های خود را به کمک اسرائیل در لبنان و فلسطین بهتر و سهل‌تر پیاده کند. در مورد خدمات خمینی به امپریالیسم اگر قلمفرسائی بکنم مثنوی هفتاد من کاغذ شود ولی همین که گفتم کافی است.

س (۵) - هم‌اکنون در صف مخالفین رژیم افراد و سازمان‌هایی سیاسی وجود دارند که برخی از این افراد و سازمان‌ها حتی در بنای این رژیم نقش فعالی داشتند ولی اینک در مقابل این رژیم قرار دارند و خواهان سرنگونی آن هستند. شما این مسئله را چگونه تحلیل میکنید و نظرتان درباره آن چیست؟

ج (۵) - جواب این سؤال بسیار ساده است. اگر در حسن نیت این افراد و سازمان‌های سیاسی تردید نداشته باشیم و من مشخصاً در مورد بسیاری از آنان چنین تردیدی ندارم، آنگاه باید گفت که اینان در نتیجه بررسی عملکردهای رژیم خمینی بودند که به ماهیت واقعی آن پی بردند و من در این امر اشکالی نمی‌بینم.

برخلاف کسانی که از این سازمان یا آن فرد ایراد میگیرند که چرا حالا به صف مخالفین رژیم پیوسته است در صورتیکه روزی

از طرفداران خمینی بود. من برایین عقیده‌ام که از پیوستن طرفداران خمینی به صف مخالفینش باید استقبال کرد. ایس روند یعنی جدا شدن از خمینی و ملحق شدن به صفوف نیروهای ملی هنوز هم ادامه دارد. بعضی زودتر به ماهیت رژیم خمینی پی بردند. برخی دیرتر. اما در هر دو صورت، این امر تنها به میزان تجربه سیاسی هر فرد یا سازمانی ارتباط ندارد بلکه مربوط به شرایطی نیز می‌باشد که این فرد یا سازمان در آن فعالیت و مبارزه می‌کند. مثلاً مادرگردستان زودتر از دیگران به ماهیت واقعی خمینی و رژیمش پی بردیم. ولی اس بدان معنا نیست که ما هشیارنرو و آگاه‌تر از دیگران بودیم. چنین استنباطی با فروتنی سنتی ما مغایر است. ما خمینی را زودتر شناختیم چرا که شرایط خاص گردستان اس شناخت را ممکن می‌ساخت. وضعی پیش آمد که خمینی قبل از همه به گردستان حمله کرد و قبل از همه ماهیت ضد خلقی خود را در گردستان نشان داد.

س (۶) - در آغاز روی کار آمدن رژیم اسلامی، اکثر گروه‌ها و سازمانهای سیاسی یا خواهان انحلال ارتش و پیا خواهان اصلاح آن بودند ولی اکثر ا کمیته‌ها و پاسداران انقلاب را ارگاسهای مردمی تحلیل مدعی کردند و برعکس امروز ملاحظه می‌کنیم که اکثر همگان سازمانها، پاسداران و کمیته‌ها را ضد مردمی و دشمنان خلق تلقی میکنند ولی درباره ارتش نظر روشنی ابراز نمی‌کنند. بنظر شما این اتخاذ مواضع بر چه پایه‌ای است؟

ج (۶) - من در مورد مواضع سازمانهای دیگر رسمی‌خواهم نظر بدهم.

اما مادرگردستان از روبرو نخستین طرفداران انحلال ارتش صدملی

شاهنشاهی بودیم و هم اکنون نیز طرفدار انحلال ارتش ارتجاعی خمینی هستیم . نزدیک چهار سال است که ما در کردستان علیه ارتش و پاسداران می جنگیم و حالا ارتش را کم خطرناکتر از سپاه پاسداران نمیدانیم . البته وقتی که سربازان ( نه سربازان پیمانی ) به اسارت پیشمرگان درمی آیند ، ما آنها را آزادمی کنیم ولی حمله نظامی اخیر رژیم به کردستان نشان داد که ارتش ، برخلاف سه سال قبل با همه نیرو علیه مردم کردستان می جنگد . بنظر ما سپاه پاسداران و ارتش در مجموع هر دو چماق رژیم — ارتجاعی خمینی هستند و پس از سرنگونی آن هر دو باید منحل گردند .

س ( ۷ ) - گروهها و سازمانهای سیاسی متحدا معتقدند که اکثریت مردم با رژیم مخالفند و خواهان سرنگونی این رژیم هستند اگرچنین است پس چرا مردم واکنش نشان نمی دهند و چرا حرکات توده ای وسیع دیده نمیشود ؟

ج ( ۷ ) - این کاملاً درست است که اکثریت مردم ایران با رژیم خمینی مخالفند و خواهان سرنگونی آن هستند لیکن اولاً تنها مخالف بودن برای سرنگونی رژیم کافی نیست .

اکثریت مردم ایران ( خارج از کردستان ) مخالف رژیم اند ولی متشکل نیستند و در نتیجه منفعل اند و مخالفتشان فعال نیست . اگر در همه بخشهای ایران اکثریت مردم مانند مردم کردستان فعالانه علیه رژیم قیام میکردند ، تردیدی نیست که در این صورت رژیم مدتها بود سقوط کرده بود .

از سوی دیگر اقلیتی که طرفدار رژیم خمینی است ، اقلیتی است فعال ، متشکل ، با ایمان ، و دارای امکانات وسیع مادی و اکثریت آنان مسلح .

می پرسید چرا حرکات توده ای وسیع دیده نمیشود ، شما در طوسی

اقامت خود در کردستان مشاهده کردید که در این جا چه حرکت وسیع  
توده‌ای علیه رژیم ایجاد شده و چگونه فعالانه عمل میکند. آنگاه  
وقتی سؤال را اینطور مطرح میکنید چنین استنباط میشود که  
یا شما برای کردستان اهمیتی قائل نیستید یا کردستان را جزئی  
از ایران نمیدانید که هر دو جای تاسف بسیار است.

س (۸) - در بین نیروهای که خواهان سرنگونی رژیم خمینی  
هستند اختلافاتی موجود است که این اختلافات از جمله  
درباره ترکیب و ماهیت قدرت سیاسی آینده ایران  
و نیروی رهبری کننده انقلاب میباشد عقیده شما در این  
مورد چیست؟

ج (۸) - این امر طبیعی است که در بین نیروهای که خواهان  
سرنگونی رژیم خمینی هستند، اختلافاتی وجود  
داشته باشد.

مهم این است که نیروهای فوق الذکر و لا فعالانه در راه سرنگونی  
رژیم خمینی مبارزه نکنند و ثانیا بعقاید و نظرات یکدیگر احترام  
بگذارند، و در جستجوی بدیلی باشند که آزادیهای دمکراتیک  
را تضمین نماید. هم اختلاف نظر و هم وحدت هر دو ضرورت دارد.  
اختلاف نظر در جنبش، در روش کار، در تحلیل مسائل، در شکل  
مبارزه و وحدت در اهداف کلی، سرنگونی رژیم خمینی، ایجاد  
ایرانی مستقل و غیر وابسته، تامین دمکراسی، تضمین  
حقوق خلقهای ستمدیده و بهبود وضع زندگی زحمتکشان.

س (۹) - برخی سازمانهای سیاسی تشدید ترور و اختناق توسط  
جمهوری اسلامی را بگردن سازمان مجاهدین و یا  
سازمانها و جریاناتی که معتقد به مبارزه مسلحانه  
هستند و در صحنه مبارزات حاضرند میگذارند و معتقدند  
که علت اختناق بی سابقه را باید در حرکات (افراطی)  
این سازمانها جستجو کرد، بنظر شما این نظریه

درست است ؟

ج (۹) - این نظر کاملاً نادرست است . قبل از تشدید ترور و اختناق در مرکز .

بیش از دو سال بود که کشتار مردم کردستان ادامه داشت ، آیا اینهم تقصیر سازمان مجاهدین خلق بود یا این بار با یدگن ساه را بگردن حزب دمکرات و مردم کردستان انداخت که زیر بار زور - گوئی و استبداد خمینی نرفتند . آیا قبل از تشدید ترور در مرکز ، خفقان و اختناق ، شکنجه و کشتار در کشور وجود نداشت ، در خوزستان ، ترکمن صحرا ، کردستان ، آذربایجان کسی اعدام نشده بود ؟

اختناق و ترور از ماهیت رژیم ارتجاعی و خون آشام خمینی سرچشمه میگیرد . این رژیم نه تنها مخالفان خود را سرکوب میکند بلکه کسانی نیز اجازه اظهار وجود نمیدهد که مخالف رژیم نیستند ولی در مواردی با آن اختلاف نظر دارند .

و انگهی خود این نظریه که ترور و اختناق از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به بعد شروع شدن نظریه نادرستی است و به رژیم خمینی قبل از آن تاریخ مشروعیت میدهد . من چنین مشروعیتی را رد میکنم این رژیم مدتها قبل از ۳۰ خرداد یعنی هنگامیکه دژ خیمش خلفالی ، کودکان ۱۲ ساله را در کردستان به جوخه اعدام می سپرد و یا سدا را نش جنایت هولناک قارنا را مرتکب میشدند ، مشروعیت خود را از دست داده بود .

س (۱۰) - همانطوریکه میدانید وضع اقتصادی رژیم بسیار اسفناک است کاهش درآمد نفت ، خوابیدن چرخهای تولیدی ، هزینه های سرسام آور جنگ و گرانسی ، بیکاری و . . . . عواملی هستند که در بررسی کوتاه بحرات میتوان گفت ، که باعث سقوط رژیم خواهند شد ولی چرا علیرغم این همه مشکلات با زاین رژیم

همچنان پابرجاست ، عامل اصلی بقای رژیم در چیست ؟  
 ج (۱۰) - بنظر من رژیم آطور که شما میگوئید بر سر پای خود قرار  
 ندارد ، رژیم خمینی در بحران عمیقی فرورفته است ،  
 هم اکنون بحران سیاسی - نظامی ، اقتصادی ، اجتماعی و  
 فرهنگی گریبانگیر این رژیم میباشد ، ولی رژیمی ضد خلقی  
 و مستبد هر چند ضعیف باشد بخودی خود سقوط نمیکند ، باید آن  
 چنان نیروی متشکل و قدرتمندی پدیدان مبارزه بگذارد  
 که بتواند ضربه نهائی را بر پیکر رژیم فرود آورد و اثر اسرنگون  
 نماید ، متأسفانه چنین نیروئی هنوز بوجود نیامده است ،  
 البته هنوز ذخایر مادی و معنوی رژیم به پایان نرسیده با این  
 همه بدون تردید هم اکنون نیروی اپوزیسیون قدرتمندتر  
 است ولی هنوز تشکل و تحرک کافی ندارد ، راز بقای رژیم در  
 استفاده از احساسات مذهبی ، در باقیمانده نفوذ شخص خمینی ،  
 در تبلیغات گسترده بمنظور گمراه کردن افراد ساده ، در امکانات  
 مالی ناشی از درآمد نفت ، در پشتیبانی عملی امپریالیسم ، در  
 شرایط دوران جنگ و از همه مهمتر در پراکندگی و عدم تشکل  
 کافی نیروهای سالم اپوزیسیون نهفته است ،

س (۱۱) - بعد از ۳۰ خرداد که مبارزه مسلحانه‌ی شهری ابعاد  
 وسیعی گرفته بود خصوصاً بعد از اعدام انقلابی سران  
 حکومت ، بعضی از نیروهای مخالف رژیم از جمله  
 سازمان مجاهدین خلق ایران ، این امید را به  
 وجود آورده بودند که بزودی رژیم سقوط خواهد کرد و  
 سازمان مجاهدین خلق نیز انتظار داشت که تحت  
 تاثیر مبارزه مسلحانه‌ی شهری مردم وسیعاً وارد میدان  
 شوند ، ولی علیرغم این ابتکارات ، بنظر میرسد  
 که رژیم توانسته است ظاهراً خود را حفظ کند و توده‌ها  
 از خود واکنشی نشان نداده اند شما این شرایط را

چگونه تحلیل میکنید ؟

ج (۱۱) - بعد از ۳۰ خرداد از سوی سازمان مجاهدین خلق به رژیم و بویژه سردمداران آن ضربه‌های شکننده‌ای وارد آمد و با یدیا دآوری کرد که رژیم برای مدتی دچار سرگیجه شده بود و اگر تا کتیک مشخص و طرح دقیقی در میان بود این احتمال وجود داشت که ضربه‌نهایی از بالا به رژیم وارد شود .

مثلا اگر آقای بنی صدر در روزهای قبل از ۳۰ خرداد یعنی هنگامیکه هنوز فرمانده کل قوا و رئیس جمهور بود ولی میدانست که خمینی او را عزل خواهد کرد انقلابی رفتار میکرد و به پشتیبانی نیروهای چون سازمان مجاهدین و حزب دمکرات و برخی سازمانها سهامی دمکراتیک دیگر وارد عمل میشد احتمالاً روند رویدادها تغییر مینمود . ولی در تاریخ اگر وجود ندارد ، تاریخ همان است که اتفاق افتاده و ما باید فکری برای آینده کرد . امیدوار کردن مردم به سرنگونی رژیم و یا تعیین تاریخ برای آن کاری است که شاید در کوتاه مدت منافی در برداشته باشد و روحیه توده‌ها را تقویت بخشد لیکن در دراز مدت زیان آور است و موجب عدم اعتماد توده‌ها میگردد .

به نظر من بعد از ۳۰ خرداد توده‌های مردم شهرها برای مبارزه مسلحانه آمادگی نداشتند و بهمین جهت هم وارد میدان نشدند بطور کلی توده‌های شهری جامعه ما که اکثریت آنها را قشرهای میانی تشکیل میدهند برای شکل مسلحانه مبارزه اولویت قایل نیستند . از سوی دیگر طبقه کارگر و بطور کلی زحمتکشان شهرها تشکل کافی برای اینکار نداشتند و سازمان مجاهدین نمیتوانست آنها را بمیدان مبارزه مسلحانه بکشاند . و اما حفظ انسجام رژیم و اوضاع ظاهری است . هم اکنون در درون قدرت حاکم در مورد بسیاری از مسایل سیاسی ، اقتصادی ، نظامی ،

اختلافات بسیار شدیدی وجود دارد و بردندی بسبب که اینها  
اختلافات با تشدید بحران رژیم در آینده با وج خود خواهد رسید  
در بررسی مسئله سرنگونی رژیم از اسباب دواشتباه باید پرهیز  
کرد .

نخست آنکه همچنانکه گفتم نباید به توده‌ها امیدواری سقوط  
فریب الوقوع رژیم را داد و بویژه نباید تاریخ تعیین نمود .  
دوم آنکه اگر این امر که رژیم هنوز سقوط نکرده و احتمالا در  
آینده بسیار نزدیک نیز امکان سرنگونی آن بعیرود، نباید  
نتیجه گرفت که بحران رفع شده و رژیم انسجام خود را حفظ کرده  
و دیگر از خطر سرنگونی نجات یافته است بنظر من همه علل بحران  
و همه عواملی که رژیم را در سراشیب سرنگونی قرار داده بحران  
خود باقی است، فقط باید کوشید آنچه انچه نیروی انقلابی  
و متشکلی را بمیدان آورد که توانایی سرنگونی رژیم را داشته  
باشد و این رسالت تاریخی را بعهده بگیرد .

س (۱۲) - بعد از ۳۰ خرداد " شورای ملی مقاومت " بوجود  
آمد و در ابتدا اینطور وانمود کرد که اس شورای مقاومت  
الترناتییو خوبی در مقابل رژیم با سدا کون و صبح  
این شورای را چگونه می بسید . اصولا آیا این شورای  
با وضعیت کنونی میتواند با میدنوده‌ها مبارزه کند  
گردد ؟

ج (۱۲) - هنوز هم شورای ملی مقاومت تنها القربا بیست و  
د مکرراتیک است و همه کسانی که صمیمانه به سرنگونی  
رژیم علاقه دارند باید با یاری شورای پیوندند .  
البته شورای باید در آینده تحرک بیشتری از خود نشان بدهد، تا  
در داخل کشور قادر به جذب همه نیروهای مخالف رژیم باشد  
مقصودم نیروهای سالمی هستند که قصد دارند رژیم شاهنشاهی را  
در کشور ما احیا کنند . شورای باید توده‌های مردم ایران را قانع



کنند که آلترناتیوی است دمکراتیک و در جهت نفی عملکردهای رژیم کنونی گام برمیدارد. در خارج از ایران نیز شورایی با یدبه همه کشورهای ذینفع در منطقه نشان بدهد که پیروزی شورای ایران را تبدیل به کشوری غیر وابسته و غیره متعهد و دمکراتیک خواهد کرد. شورای یدبه جهانیان بگوید که از سیاست اوانتوریستی و توسعه طلبی خمینی پرهیز خواهد نمود و با در نظر گرفتن منافع مشروع کشورهای غربی در منطقه خلیج فارس از سیاست دوستی با اتحاد شوروی و همسایه های دیگر پیروی خواهد کرد.

در ضمن شورای یدبه هویت مستقل و برنامۀ خود را آنچنانکه در وظایف مبرم دولت موقت آمده است به توده ها بشناساند.

هنگامیکه توده های مردم احساس کنند که شورای ملی مقاومت و زائیده همکاری و هم پیمانی نیروهای سالم و دمکراتیک کشور است، بطور یقین آنرا بعنوان آلترناتیو خواهند پذیرفت.

س (۱۲) - ممکن است بگوئید چرا هیچ سازمان و نیروی چپ شناخته شده ای در این شورا شرکت ندارد؟

ج (۱۲) - این سؤال شما تحریف واقعیت است. بنظر من چه حزب دمکرات کردستان ایران و چه سازمان مجاهدین خلق هر دو هم چپ هستند و هم شناخته شده.

ممکن است مقصودتان از چپ، سازمانهای مارکسیستی باشد. هم اکنون چند سازمان مارکسیستی نیز در شورا عضویت دارند. شاید بهتر بود خود شما می گفتید که مقصودتان کدام سازمانهای چپ شناخته شده است که هنوز به شورای پیوسته اند؟

س (۱۴) - بعد از ۳۰ خرداد از فعالیت سازمانهای کمونیستی در جنبش تقریباً خبری نبود، یعنی نقش فعالی که در روزهای قیام ۵۷ داشتند در این روز و روزهای بعد از ۳۰ خرداد نداشتند من فکر میکنم جنبش کمونیستی در داخل ایران در نهایت ضعف و پراکنگی

بسر میبرد فکر می کنید این وضع تا کی ادامه خواهد داشت و کلاً بگوئید ریشه و خصوصیت بحران چپ در ایران چیست؟

ج (۱۴) - اینکه میگوئید که جنبش کمونیستی در داخل ایران در نهایت ضعف و پراکندگی بسر میبرد واقعیت است. من بعنوان نماینده حزب دمکرات کردستان ایران که سازمانی است ملی و دمکراتیک صلاحیت تحلیل مسائل مربوط به جنبش کمونیستی ایران را به خود نمی‌دهم. اینکار را باید از سوی خود سازمانهای کمونیستی انجام بگیرد.

بطور خلاصه بنظر من ضعف و پراکندگی جنبش کمونیستی دو علت اساسی دارد. نخست عدم درک واقعیت کشور ما و کوشش در الگو سازی. سازمانهای کمونیستی بجای تطبیق خلاق نتوی بسا واقعیت، زور میزنند و واقعیت را با تئوری تطبیق بدهند.

دوم عدم توجه به مسائل مبرم کشور، به مسائلی که در مقابل جامعه ما قرار دارد. شما مطبوعات این سازمانها را مطالعه کنید بیشتر بحث وجدل بر سر مسائل تئوریک بین المللی و اختلافات کشورهای سوسیالیستی است تا بر سر مسائل بسیار حاد ایران. گاهی چنین مبینماید که رهبران این سازمانها در کشورهای گانه ای زندگی میکنند و با درسچ سابل با هم همه مناقشه نشسته اند. مناسبه برای اکثر این سازمانها عدم درک واقعیت ایران بسیار گران تمام شد و وعده ای از بهترین فرزندان کشور اعضاء و هواداران آنها بدون اینکه کار مهمی علیه رژیم انجام داده باشند به دست دژ خیمان خمینی از بیرون رفتند.

آنچه امروز در این رابطه در کردستان شاهدش هستیم چنانچه امیدواری است چرا که سرچی ار رهبران این سازمانها ای سراسری که هم اکنون در کردستان بسر میبرند به اشتباهات خود پی برده اند. تصحیح اشتباهات گذشته و درک واقعیت جامعه

ما و نزدیکی به توده‌ها می‌توانند پراکندگی را از بین ببرند و بتدریج ضعف گذشته را جبران نماید .

س (۱۵) - به نظر شما چه قشرها و طبقاتی در جامعه ما انقلابی اند و نقش این طبقات و گروه‌های اجتماعی را در انقلاب آینده چگونه می‌بینید ؟

ج (۱۵) - جواب این سؤال را به عهده کسانی می‌گذارم که به تحلیل طبقاتی مسائل علاقه و افراد رند برای من در شرایط کنونی هر نیرویی صرف نظر از وابستگی طبقاتی آن صمیمانه علیه رژیم خمینی و برای بر سر کار آوردن نظام جمهوری دمکراتیک مبارزه کند انقلابی است .

س (۱۶) - برخی از سازمانها و شخصیت‌های سیاسی این رژیم فاقد برنامه‌اند و یکی از خصوصیات این رژیم بی‌برنامگی آن است . به نظر شما این نظریه درست است ؟

ج (۱۶) - اینکه رژیم بی‌برنامه است کاملاً درست است . اینهم درست است که رژیم فعلی قادر به طرح برنامه منسجم و همه‌جانبه‌ای نیست .

تا زه اگر رژیم در موارد مشخص قادر به طرح برنامه درستی باشد در پیاده کردن آن زیون و ناتوان است چرا که وجود تعدد مراکز تصمیم‌گیری ، تضاد منافع ، شیوه کار آخوندی مانع اجرای هرگونه برنامه‌ای است .

س (۱۷) - قیام بهمن ماه ۵۷ چه تغییراتی در وضعیت نیروها و کیفیت مبارزات توده‌ها بوجود آورده است ؟

ج (۱۷) - انقلاب بیست و دوم بهمن به هدفهای خود نرسید چرا که آخوندها آنرا بنا م خود صادره کردند بهمین جهت بعد از انقلاب نه تنها وضع اقتصادی و اجتماعی توده‌ها بهبود نیافت بلکه به وخامت گراشید .

ولی انقلاب راه مبارزه بوده‌ها را با رکرد و کیفیت ناره‌ای بسه  
این مبارزه داد. و ار همه مهمربوده‌ها با رگرا بیانی در  
این چهار سال بدست آوردند بطوریکه هر شخصی و یا نیروئی پس  
از سقوط رژیم خمینی هم‌بخواهد یک رژیم دیکتاتوری در ایران  
بر سر کار بیاورد بیگمان با مخالفت توده‌های میلیونی روبرو  
خواهد شد. انقلابها لوگو موتیوهای تاریخیند و جا معه را فرسنگها  
بسرعت به جلو میرانند.

کوشش رژیم ارتجاعی خمینی در عقب راندن جامعه ایران بسه  
دوران چند سال پیش موفق نخواهد شد و پس ارسرنگونی رژیم  
خمینی جاده برای پیشرفت سریع جامعه هموار خواهد گردید.  
حاده‌ای که انقلاب بیست و دو سهمن ماه سال ۱۳۵۷ آنرا گشوده  
است. برای نمونه قبل از بهمن سال ۱۳۵۷ در کردستان نیروی  
انقلابی بالقوه، عظیمی وجود داشت که اینک تبدیل به آنجان  
نیروی انقلابی فعالی گردیده که توانائی مقابله با رژیم  
خمینی را دارد و بدون تردید پس از سقوط رژیم پیش از پیشش  
تقویت خواهد یافت.

س (۱۸) - برای پیروزی انقلاب چه شکلی از مبارزه را عمده  
میدانید و اصولا بر ما عمل پیشنهادی شما در این  
خصوص چیست؟

ج (۱۸) - برای پیروزی بر رژیم خمینی همه اشکال مبارزه  
جایز است.

ولی فراموش نکنید که شکل مبارزه را قدرت حاکم تعیین میکند.  
اینک رژیم خمینی شکل مسلحانه مبارزه را به مردم ایران  
و سازمانهای انقلابی آن تحمیل کرده است. رژیم استبدادی و  
ضد انسانی خمینی را تنها از طریق مبارزه قهرآمیز میتوان  
سرنگون ساخت. ولی این بدان معنا نیست که شکلهای دیگر  
مبارزه را نفی کنیم. برای پیروزی بر رژیم خمینی به تنهها

همه اشکال مبارزه جایز است مثلاً از مبارزه منفی مانند بایکوت کردن نماز جمعه گرفته تا مبارزه مسلحانه که عالی ترین شکل آن است، بلکه وضع کنونی کشور ما تلفیق در میان اشکال مختلف مبارزه را ضروری میسازد. تنها تلفیق در میان مبارزه مسلحانه شهری و بیرون شهری، تلفیق در میان مبارزه مسلحانه و غیرمسلحانه از اعتصابات اقتصادی و سیاسی گرفته تا اشکال مختلف مبارزه منفی است که رژیم خمینی را به زانو درخواهد آورد و پیروزی نیروهای انقلابی را سرعت خواهد بخشید.

س (۱۹) - اگر معتقد به مبارزه مسلحانه هستید ممکن است بگویید چرا تا کنون این شکل از مبارزه، یعنی مبارزه مسلحانه قادر به بسیج واقعی توده ها نشده است؟

ج (۱۹) - این سؤال شما نیز تحریف واقعیت است. در مورد کردستان بسیج واقعی توده ها انجام گرفته است اگر غیر از این بود خمینی به آسانی میتوانست جنبش دمکراتیک مردم کردستان را سرکوب کند.

و اما اینکه چرا در بخشهای دیگر ایران توده ها بسیج نشده اند دلایل متعددی دارد برای مثال عرض میکنم که بنظر من مبارزه مسلحانه میتواندست در بلوچستان، در ترکمن صحرا، در شمال ایران گسترش یابد، لیکن سازمانهایی که در این مناطق نفوذ داشتند یا دچار اشتباهاتی شدند که در پاسخ سؤال چهاردهم به برخی از آنها اشاره کرده ام و یا اصولاً اهمیت لازم را به مبارزه مسلحانه در این نواحی قائل نشده اند، تازه بسیاری از این سازمانها دیر به ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی رژیم خمینی پی بردند و تنها هنگامی بفرآیند دهستانهای مسلح در مناطق فوق الذکر افتادند که اندکی دیر شده و بسیاری از امکانات از بین رفته بود.

س (۲۰) - فکر میکنید چه شکلی از حکومت برای آینده ایران مناسب است و در این رابطه نقش طبقات مختلف را توضیح دهید ؟

ج (۲۰) - در ایران بعد از خمینی تنها رژیم می‌تواند استقرار پیدا کند که دموکراتیک و بر اساس پلورالیسم دموکراتیک استوار باشد .

همه سازمانهای ملی و دموکراتیک با وجود اختلاف نظرها و اختلاف سلیقه‌ها باید حق معالیه‌ای داشته باشند . هرگونه انحصار طلبی و گرایش به دیکتاتوری یک یا چند سازمان ، کشور ما را دچار جنگ داخلی خواهد نمود ، استقرار را بهم خواهد زد . وجهی که حوادث ناگوار و پیش‌بینی نشده‌ای را موجب گردد کسسه ممکن است استقلال و موجودیت میهن ما را به خطر اندازد ، به نظر من در رژیم دموکراتیک آینده جز نیروهایی که قصد شناسایی با رژیم شاهنشاهی را مجدداً منقرض نمایند و یا رژیم ولایت فقیه را احیاء کنند ، هم‌باید بدون تبعیض حق استفاده از تمامی آزادی‌های دموکراتیک را داشته باشند .

س (۲۱) - ضامن دموکراسی آینده چیست ؟ فکر میکنید کدام طبقه می‌تواند آن را تضمین کند ؟

ج (۲۱) - به نظر من طبقه معینی نمیتواند ضامن دموکراسی آینده ایران باشد .

همه نیروهای دموکراتیک که نماینده طبقات و قشرهای مختلف جامعه هستند ضامن حفظ دموکراسی آینده ایران خواهند بود . همان‌گونه که گفتم ضامن استقرار دموکراسی در ایران در گرو احترام همه سازمانها و نیروها به پلورالیسم دموکراتیک است .

در مرحله کنونی از رشد اجتماعی کشور ما ، هر طبقه‌ای به نفعی حاکمیت را قبضه‌کنندگی آمده جز دیکتاتوری نخواهد داشت .

س (۲۲) - با توجه به این که شرایط بسیار مساعدی برای